

بررسی سنت توفیق الهی از دیدگاه آیات و روایات

محبوبه مسیبی^۱

چکیده:

از نظر قرآن کریم جامعه دارای یکسری قوانین و سنتهای مشخص و معینی می باشد که قابل تغییر و تحول نیستند و محدود به زمان خاصی نمی باشند ، این سنت ها در قرآن به خداوند نسبت داده شده است و آن عبارت از تدبیر و سازماندهی خداوند در برخورد با انسانها و امت ها که استمرار داشته و در اصطلاح اندیشمندان اسلامی سنت های اجتماعی یا سنت های تاریخی نام گرفته است، سنت توفیق یکی از آن قوانین است که به واسطه آن برخی از انسانها مورد توجه و عنایت خداوند قرار گرفته و از این طریق با ایجاد یکسری زمینه هایی در درون خود در جایگاه دستیابی به اسباب خیر و اهداف مطلوب قرار می گیرند. محقق در مقاله حاضر به تحقیق آثار توفیق در زندگی ، راههای جلب توفیق الهی، عوامل سلب توفیق، انواع توفیق و نحوه تاثیر گذاری این سنت در حیطه شناختی ، عاطفی، رفتاری، پرداخته و آن ها را مورد بررسی قرار داده است.

واژگان کلیدی: سنت الهی، توفیق الهی، انسان، هدایت

مقدمه

از آنجا که دین اسلام به عنوان یک دین کامل و جامعی می باشد، پس علاوه بر اینکه به تمامی زوایای زندگی اجتماعی انسان توجه ویژه ای داشته اعتقاد دارد که انسانها همانند سایر مخلوقات تحت یکسری سنن و قوانین ثابت و تغییر ناپذیر زندگی میکنند و از طرفی دیگر برای بالا بردن اهداف والای اجتماعی جامعه مطالعه و شناخت این سنتها را امری لازم و ضروری می داند .

بنا بر این اگر این سنتها و قوانین الهی را با نگاه به گذشته مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم و سنتهای خدا را در موضوعات مختلف بشناسیم می توانیم شرایط را تجزیه و تحلیل کرده و سرنوشت حال و آینده خود را بهتر رقم بزنیم در حالیکه آشنا نبودن با سنت الهی موجب خطا در عمل و از بین رفتن انرژی و سرمایه های ما خواهد شد . سنت توفیق یکی از آن قوانین الهی است که در مباحث دینی به آن توصیه شده است و محقق در این تحقیق با تکیه بر آموزه های قرآنی و روایات به بررسی این سنت پرداخته است.

۱-۱ معنا شناسی واژه توفیق

۱-۱-۱ لغت و اصطلاح

توفیق در لغت به معنای کارسازی و موافق گرداندن (جلب و همراهی)، توفیقا الامر یعنی کار را موافق و سازگار نمودن میان قوم صلح و آشتی برقرار کرد. (افرام بستانی، ص ۹۹۲)

توفیق در اصطلاح به معنای سوق دادن اسباب و وسایل به سمت انسان برای اینکه به هدف خیر برسد. و یا قرار دادن انسان در حوزه دستیابی به وسایل خیر به گونه ای که به هدف رسیده و موفق شود در واقع توفیق اشاره و هدایت به سوی حق است در هر یک از جهات فکری و اخلاقی به وسیله القائات رحمانی (مصطفوی ۱۳۶۸، ص ۱۶۰) لذا

حقیقت توفیق یک عامل غیبی است که انسان را در مسیر دستیابی به خیر قرار می دهد و آن منحصر به خداوند تبارک و تعالی است. آنجا که از زبان نبی خدا نقل میکند «وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ» (هود ۸۸) و یا در موضوع اختلافات خانوادگی می فرماید: «يُؤَفِّقُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا» (نساء ۳۵) ایجاد هماهنگی و محبت در میان زوجین از جانب خدا به گونه ای است که کینه و شکاف بر طرف شود.

۱-۱-۲ توفیق الهی

در فرهنگ قرآن کریم، توفیق به معنای آسان کردن آمده است، به این معنا که خدای سبحان مسیر و راه را برای انسان آسانتر می کند چه از جانب مثبت که همان صراط مستقیم است و چه از جانب منفی که کج راه است. و وقتی خداوند به کسی توفیق میدهد این به این معنا است که گرایش قلبی او به سمت امور خدا پسند آسانتر و اسباب حرکت در این مسیر ها برایش فراهم تر می شود و معارف را بهتر درک و راحت تر عمل می کند البته این به آن معنا نیست که راه گناه برای او بسته است و (إِلَّا جَبَرَ) به وجود می آید بلکه گناه کردن برای او سخت است.

عکس توفیق حالت بی توفیقی است. یعنی به واسطه گناه پی در پی گرایش قلبی انسان به سمت امور نا پسند آسان می شود چنین فردی هم به راحتی دروغ می گوید و خیلی راحت به نامحرم نگاه کرده و با سختی معارف الهی را می فهمد و عمل می کند و می گوید دلم می خواهد گناه نکنم ولی نمی توانم پس توفیق در هر دو مسیر به معنای سهولت است. قرآن کریم درباره گروه اول می فرماید: (فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَ صَدَقَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى)

(لیل، ۵-۷) اما آن کسی که برای رضای خدا از مال خویش بخشید و تقوا پیشه کرد و نیکوترین وعده خدا در مورد انفاق کنندگان راست شمرد به زودی او را برای ورود به بهشت آماده خواهیم ساخت و به آسایش و زندگی

آسوده می‌رسانیم. قرآن کریم درباره گروه دوم می‌فرماید: (وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ)

(لیل ۸-۱۰) اما آن کس که بخل ورزید و با گرد آوری ثروت در پی توان‌گری بود و نیکوترین وعده خدا را دروغ شمرد به زودی او را برای دشواری و عذاب آماده خواهیم ساخت. بنابراین راه برای هر دو گروه باز است گروه اول به راحتی کار خیر انجام می‌دهند و می‌توانند گناه کنند، ولی گناه کردن برایشان سخت است پس هر دو گروه با اختیار خودشان مسیر حرکت خود را انتخاب می‌کنند هم گروه اول توان گناه کردن را دارند ولی با اختیار خود گناه نمی‌کنند و هم گروه دوم توان توبه کردن دارند ولی با اختیار خود و به سختی توبه می‌کنند یا موفق به توبه نمی‌شوند. حضرت امام خمینی (قدس سره) در مورد ارتباط اعمالی که انسان انجام می‌دهد و توفیق یا سلب توفیقی نصیب او می‌شود می‌فرماید: ممکن است یک نظر به نامحرم یا یک لغزش کوچک زبانی مدت‌ها انسان را از سرائر و حقایق توحید باز دارد و از حصول جلوات محبوب و خلوات مطلوب که نور چشم اهل معرفت است باز دارد (خمینی، ۱۳۹۲، ص ۶۹)

۲-۱ انواع توفیق

۱-۱ توفیق ایمان: توفیق یافتن انسان برای ایمان در قلمرو اذن خدا (وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ) (یونس ۱۰۰)

۱-۲ توفیق هدایت: هدایت شدن مومنان به حق در مسائل اختلافی با توفیق و اذن الهی (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ) (بقره ۲۱۳)

۱-۳ توفیق الهی: بهرمندی از کمک خدا از آثار اراده صلح زن و شوهر با یکدیگر (وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا.....) (نساء ۳۵)

۱-۴ توفیق در امتحان: توفیق حضرت ابراهیم در امتحان الهی زمینه رسیدن آن حضرت به امامت (وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ) (بقره ۱۲۴)، توفیق گروهی از سپاهیان طالوت در امتحان الهی با ننوشیدن آب رود خانه (فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ.....) (بقره ۲۴۹)، توفیق مجاهدان جنگ بدر (انفال ۱۷)، توفیق صبر پیشگان در آزمون‌های الهی (بقره ۱۵۵) توفیق اسماعیل در امتحان با فرمان الهی برای ذبحش (صافات ۱۰۲-۱۰۳)، (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳)

۲-۲ آثار توفیق در امتحان

۱-۲ آمرزش، امید وار ساختن توفیق یافتگان در آزمون الهی به مغفرت و رحمت (انعام ۱۶۵)

۲،۲ تحیت خدا، پیروزی در امتحان الهی باعث بهرمندی از درود خداوند (بقره ۱۵۷، ۱۵۵)

- ۳-۲ خوش نامی، توفیق ابراهیم در امتحان باعث خوش نامی وی میان امت ها (صافات ۱۰۳، ۱۰۲) (۱۰۲، ۱۰۳)
- ۴-۲ رحمت، پیروزی در امتحان الهی سبب بهره مندی از رحمت الهی (بقره ۱۵۷، ۱۵۵)
- ۵-۲ واگذاری مسئولیت، توفیق یتیمان در امتحان رشد مالی در پی جواز رد اموال به آنان (نساء ۶)
- ۶-۲ همراهی با اولیاء، توفیق سپاهیان طالوت در امتحان باعث ورود آنان در زمره پیروان خاص او (بقره ۲۴۹)
- ۳- نشانه توفیق در امتحان

۳، ۱ انجام اعمال نیک نشانه توفیق در عرصه آزمون های الهی (اعراف ۱۵۵)

۳، ۲ نرمی در گفتار و رعایت ادب در محضر رسول خدا (ص) نشانه توفیق یافتگان در آزمون تقوا (حجرات ۳)

۱-۲-۱ ویژگی های سنت توفیق

با تامل در قرآن کریم به ویژگی هایی در باره این سنت دست پیدا می کنیم و اینکه اولاً: اینکه توفیق منحصرأ از جانب خداست و از آنجا که توفیق فرصت به دست آوردن اسباب خیر است گاهی ممکن است دستیابی به آن در توان انسان نباشد و یا حتی گاهی از فرد غایب شود اما خداوند مسبب الاسباب است و انسان را به آن اسباب می رساند که آیه ۸۸ سوره هود به این مطلب اشاره دارد «.....إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا سَتَطْعَتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ.....» ثانیاً: سنت توفیق شامل اهل ایمان می شود و کافران مشمول این سنت نیستند چنانچه آیه ۱۰۴ نحل به این مطلب اشاره دارد «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»

۲-۲-۱ توفیق و سلب توفیق از نظر آیات و روایات

هدایت در لغت به معنی دلالت و راهنمایی که توأم با لطف و دقت است و توضیح اینکه گاهی انسان راه را به طالب با دقت تمام و لطف و عنایت نشان می دهد ولی طی کردن راه و رسیدن به هدف و مقصود به عهده خود آن شخص می باشد ، ولی گاهی دست شخص طالب را می گیرد و علاوه بر اینکه راه را به او نشان داده او را به مقصد می رساند به تعبیر دیگر در مرحله اول شرایط پیمودن راه و رسیدن به مقصد را بیان می کند و در مرحله دوم علاوه بر اینکه وسایل سفر را فراهم می کند موانع و مشکلات را بر طرف می کند و مسافران این راه را تا مقصد همراهی و حمایت و حفاظت می کند. نقطه مقابل هدایت ضلالت است و از نظر قرآن هدایت و ضلالت فعل خداست و هر دو به او نسبت داده می شود. قرآن کریم در آیه «۲۱۳ بقره» می فرماید: (خداوند هر کس را که بخواهد به راه راست هدایت می کند) و در آیه «۹۲ نحل» می فرماید: (ولی او هر کس را بخواهد هدایت و هر کس را بخواهد گمراه می کند) شبیه به این تعبیر در مورد هدایت و ضلالت و یایکی از این دو در آیات زیادی از قرآن مجید به چشم می خورد. از این بالاتر در بعضی از آیات صریحاً هدایت را از پیامبر نفی کرده و به خدا نسبت می دهد چنانکه در آیه «۵۶ قصص» خداوند میفرماید: (تو هر کس را دوست داری هدایت نمی کنی ولی خدا هر کس را بخواهد هدایت می کند) ، همچنین در آیه «۲۷۲ بقره» می خوانیم که هدایت آنها بر تو نیست ولی خدا هر کس را بخواهد هدایت

یار و یآوری نخواهد بود. در واقع خداوند علاوه بر سلب توفیق آنها رادر ظلمت تاریکی رها کرده و هیچ یار و یآوری برای آنها باقی نخواهد ماند. امام صادق (ع) می فرماید: «همانا بنده گناهی می کند و از نماز شب محروم می شود سرعت تاثیر کار بد در آدمی از سرعت تاثیر کار در گوشت بیشتر است». (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۱۸۹۸)

۲- جهل و نادانی: جهل از اساسی ترین عواملی است که انسان را از بهرمنندی عبادت محروم می کند «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مَنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر ۲۸) یعنی تنها مردمان عالم و دانا و مطیع از خدا می ترسند. جاهلان یا اصلاً عبادت نمی کنند و یا اگر هم عبادت کنند صحیح انجام نمی دهند و گاهی به دلیل اینکه جهل آنها مرکب است نمی دانند که نمی دانند بنابراین فکر می کنند که می دانند و عمل خود را صحیح انجام می دهند و به همین دلیل جهلشان مانع از علم می شود نه تنها نیازی به یاد گیری خود نمی بینند بلکه دیگران را تخطئه می کنند و نسبت اشتباه به آن ها می دهند.

۳- حب دنیا: اصل همه چیزهایی که انسان را از یاد خدا باز می دارد و به خود مشغول می کند محبت به دنیا و اشتغال به آن است «ای اهل ایمان مبدا هرگز مال و فرزندانان شما را از یاد خدا غافل سازد و البته کسانی که به امور دنیا مشغولند از یاد خدا غافل شوند آن ها به حقیقت زیان کاران عالمند». (منافقون ۹) کسی که به امور دنیا مشغول شود از یاد خدا غافل شود و چنین کسی سرمایه عمر خود را از دست داده و زیان کرده است چونکه می توانست با آن سعادت خود را تامین کند. فشارهای مختلف روحی در زندگی هر انسانی وجود دارد فشارهایی از ناحیه کمبود وسایل معیشتی، بیماری ها، بی مهری ها، و همچنین مشغول کردن خود به دنیا و به این مشکلات توفیق عبادت را از ما سلب خواهد کرد و حتی گاهی خوشیها و نعمتها انسان را مشغول می کند و فقط با دل کندن از دنیا و خارج کردن حب دنیا از قلب است که می توانیم فکر و ذهن خود را به این امور مشغول نکنیم و یاد خدا را در قلب زنده نگه داریم و توفیق عبادت پیدا کنیم.

۴- تنبلی و کسالت: «همانا منافقان با خدا مکر و حيله می کنند و خدا نیز با آن ها مکر می کند و چون به نماز در آیند با حال بی میلی آیند و ذکر خدا را جز اندک (آن هم به قصد ریا) نکنند حالت کسالت و سستی در واقع روحیه منافقینی است که تظاهر به عبادت و دعا می کنند و چون قلباً مایل نیستند باین حالت به نماز و عبادت می ایستند.

۵- پر خوری: حضرت علی (ع) فرمودند: «از پر خوری دوری کنید که مایه سنگدلی، تنبلی نسبت به نماز و تباهی بدن است». و همچنین پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «هر که به زیاده روی در خوردن و آشامیدن عادت کند دلش سخت می شود و کسی که دلش سخت شده دیگر میلی به عبادت خدای خود نخواهد داشت». (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۱۶۰)

۶- همنشین بد: «وای بر من ای کاش فلانی را دوست نمی گرفتم رفاقت او مرا از پیروی قرآن و رسول حق محروم ساخت» (فرقان ۲۸-۲۹) یکی از موانع یاد خدا دوست و همنشین بد است حضرت علی (ص) می فرمایند: «همنشینی با همنشین بد مجمع همه بدی هاست به راستی گاه نقش دوستی در خوشبختی و بد بختی یک

انسان از هر عاملی مهم تر است گاه او را تا سر حد فنا و نیستی پیش می برد و گاه او را به درجه افتخار می رساند». (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۵۷۱)

۷- موسیقی: «برخی مردمان، کسی است که گفتار و سخن باطل را به هر وسیله تهیه می کند تا خلق را به جهالت از راه خدا گمراه سازد» (لقمان ۶) نقل شده از حضرت ابی جعفر که این آیه را خواندند و فرمودند: غنا از چیز هایی است که خداوند وعده آتش به آن داده است و اکثر مفسرین برآنند که مقصود از (لهو الحدیث) در اینجا یعنی موسیقی و آوازه خوانی باشد (طبرسی، ۱۳۶۰، ص ۱۶۲)

۸- حرام خواری: آنچه که مسلم است غذای پاک و حلال در روح و قلب انسان اثر نیکو و غذای حرام اثر بدی می گذارد و حتی مورد لعن ملائکه خواهد شد. (فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ) کسانی که مراقب غذای خود هستند که غذای حرام نخورند که در این صورت قلبی نورانی و مشتاق عبادت و مناجات با خالق خود را خواهند داشت. که این همان توفیق الهی است که شامل حال آنها خواهد شد.

۹- کفران نعمت: «اگر شکر نعمت به جای آورید بر نعمت شما می افزایم و اگر کفران کنید شمارا به عذاب شدید گرفتار می کنم» (ابراهیم ۷) کسی که اسراف می کند در واقع زمینه هدایت و توفیق الهی را از خود سلب کرده است خداوند در آیه ۲۸ سوره غافر می فرماید «لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَابٌ» البته خداوند مردم مسرف و دروغگو را هدایت نخواهد کرد، باز در آیه ای دیگر می فرماید: «يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَابٌ» (غافر ۶۱) یعنی خداوند کسانی را که اسراف کننده و در شک و ریبه اند را گمراه می کند که این آیه می تواند به همان معنا باشد که خودش باعمل خود که اسراف و کفران نعمت الهی است قابلیت هدایت را از دست داده است.

۱۰- غفلت: در مقابل جاهلان دسته ای دیگر از انسانها هستند که عالمند ولی انسانهای غافل گرچه به خاطر عملشان یک درجه از دسته قبلی جلوتر هستند ولی غفلت آن ها باعث می شود که در مقام عمل همان خطا و اشتباه گروه اول را انجام دهند و به همان نتیجه اخروی (پشیمانی و عذاب) برسند. «ای وای بر ما که از این روز غافل بودیم و سخت به راه ستمکاری شتافتیم». (انبیاء ۹۷) ضرر غفلت کمتر از جهل انسان نیست شخص غافل همیشه دچار غفلت است یکی غفلت از وظیفه خود و دیگری غفلت از غفلت خویش و وقتی که انسان غافل شود نمی داند که غافل است لذا ضررش از جهل بیشتر است.

۱۱- لغو: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (مومنون ۳) و آنانکه از سخن باطل و لغو اعراض می کنند، لغو تنها شامل سخنان و افعال بیهوده نمی شود بلکه افکار بیهوده و بی پایه انسان را از یاد خدا غافل و از تفکر در آنچه که سازنده است به خود مشغول می دارد. در واقع مومنان نه تنها به اندیشه های باطل و سخنان بی اساس و کارهای بیهوده دست نمی زنند بلکه به تعبیر قرآن از آن معرض و روی گردانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۱۹۶)

۱۲- نیت بد: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَتِهِ» (اسراء ۸۴) تو به خلق بگوهر کس بر حسب ذات و حقیقت خود عملی انجام خواهد داد. اگر انسان نیت کارهای خوب و عبادت داشته باشد خداوند به او کمک کرده و به او توفیق می دهد، ولی اگر نیت گناه داشته باشد به دلیل نیت سوءش توفیق الهی را از دست می دهد.

۱۳- لقمه حرام: گاه لقمه حرام توفیقات را از انسان می گیرد، و تاثیر این لقمه حرام به حدی است که شخص پند و موعظه آیات الهی و روایات را به تمسخر می گیرد و می گوید این حرفها چیست؟ لقمه حرام قلب و دل آدمی را سیاه می کند و پند و اندرز در او اثر نمی کند و حتی سخت ترین مناظر رقت بار او را متاثر نمی کند.

۷-۲-۱ گستره توفیق در حیات انسان

با دقت و بررسی در آیات قرآن اثر گذاری این سنت در سه حوزه وجودی انسان یعنی حوزه شناخت، حوزه عواطف و گرایش ها، و حوزه رفتار مشخص می شود. بدین معنا که گاهی از مواقع خداوند به مومن علم و بینشی عطا می کند که به وسیله آن شخص می تواند خدا را بهتر و دقیق تر بشناسد. از جمله آیاتی که در مورد سبب سازی و عنایات ویژه خدا برای اهل ایمان در حوزه شناخت و بینش سخن می گوید آیه ۷۶ سوره مریم است که خداوند می فرماید: «وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ مَرَدًّا» که کلمه اهتدوا به مفهوم تسلیم شدن و پیروی هر حقی است که فطرت سالم را به سوی آن هدایت می کند.

گاهی شناخت در حوزه حب گرایش ها و عواطف انسانی است. یکی از مصداقهای توفیق برای اهل ایمان محبوب شدن مراتب ایمان در دلهای آنان و کرامت قلبی از فسق و فجور است که خداوند تبارک و تعالی آن را به خود نسبت می دهد: «...وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» (حجرات ۷) تعبیر به فضل و نعمت الهی اشاره به اثر گذاری حق تعالی در دل های انسانهاست به طوری که به کار حق گرایش پیدا کرده و از معصیت و گناه متنفر می شوند. و در جای دیگر به این اثر گذاری در هنگام مصیبت ها و مشکلات اشاره دارد «خداوند دل او را به ثبات در هنگام سختی ها و آرامش و اطمینان به خواست الهی هدایت می کند در واقع دل او به آنچه رضای حق است از صبر یا شکر یا عفو مانند آن کشیده می شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۵۱۲)

یکی دیگر از مصادیق توفیق در حوزه گرایش ها شرح صدر است یعنی سینه ای که به دنبال حق و آماده پذیرش آن است و قلب گشاده ای که توان درک معارف بلند آیات قرآن را دارد. در برابر دلی که در برابر حق احساس تنگی و سختی دارد پس هرکسی را خدا بخواهد هدایت کند قلبش را برای پذیرش اسلام باز و روشن می کند و هر که را بخواهد گمراه کند دل او را از پذیرش ایمان تنگ و سخت می گرداند گویا اینکه می خواهد از زمین به آسمان برود. «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ...» (انعام ۱۲۵)

توفیق ایمان در حوزه عمل و رفتار نیاز به توانمندی های ویژه ای دارد که در برخی موارد خداوند تبارک و تعالی به سبب اخلاص بنده به او عطا می کند اینطور نیست که همه کسانی که یک حقیقتی را باور دارند در مقام عمل کردن توانایی انجام آن را داشته باشند چه بسا ممکن است عمل کردن به آن با مشکلات و سختی هایی همراه باشد که این نیازمند شجاعت، شهامت، و یک توان ویژه ای می باشد لذا تقویت توان عملی بنده در انجام عمل صالح و یا ترک کردن کار زشت از مصادیق توفیق الهی است که این آیه شریفه به آن اشاره دارد «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَ أَتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ» (محمد ۱۷). یکی از آیات مهمی که به همه حوزه های تاثیر گذاری عنایت الهی در حیات انسان (سنت توفیق) در کنار هم اشاره دارد آیات ۱۳ و ۱۴ سوره مبارکه کهف می باشد «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى * وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا». (فتنه امنوا بر بهم) نشانگر آن است که شرط اولیه توفیق ایمان به خداست. تعبیر (وزدناهم هدی) اشاره به زیاده دینی شناخت و معرفت و بصیرت آنان است. (وربطنا علی قلوبهم) اشاره به عنایت الهی در حوزه گرایش یعنی استحکام قلبی بر صحت کار و آرامش در برابر سختی ها و کم شدن رنج تکلیف است (واقاموا) اشاره به توانمندی آنان در صحنه رفتار یعنی جرات قیام علیه باطل و بیان حق و دفاع از آن است به همین جهت است که امام سجاد در دعای شریف مکارم الاخلاق همه این موارد را از خداوند تبارک و تعالی طلب می کند: «اللَّهُمَّ انطقنی بِالْهُدًى وَالْهُمْنِ اتقوى وَوَفَّقْنِی لِلتَّیْهِ هُوَ اَرْضِی. اللَّهُمَّ اُسلکْ بِی الطَّرِیْقَه المثلِی» (صحیفه سجاده دعای ۲۰) این فراز دعا یکی از مهمترین تعبیری است که ناظر به سنت توفیق و گستره تاثیرات آن در حیات انسان است.

نتیجه:

- ۱- انسان برای به دست آوردن توفیق علاوه بر دعا کردن باید اراده تلاش و پشتکار داشته باشد.
- ۲- از آنجا که توفیق و موافق قرار دادن همه اسباب و وسایل خارجی از جانب خداست ولی انسان برای رسیدن به مقام توفیق زمینه هایی از قبیل توبه، توکل، عبادت، قصد اصلاح، را باید در خود پدید آورد تا توفیق رفیق راهش شود.
- ۳- تفکر و اندیشه در نعمتهای بی پایان خداوند یکی از عوامل بسیار مهم در به دست آوردن توفیق است.
- ۴- عواملی از جمله گناه کردن، جهل و نادانی، حب دنیا، لغو، غفلت، کفران نعمت، سبب بی توفیقی انسان می شود و خداوند آن بنده را به حال خود رها می کند و او را یاری نمی کند.

فهرست منابع:

قرآن کریم *

- ۱- آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات

- ۲- آقا جمال خوانساری، محمد بن حسن، شرح آقا جمال خوانساری به غرر الحکم و درر الکلم، نشر دانشگاه تهران
- ۳- امین، نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید، نشاط اصفهان
- ۴- افرام بستانی، فواد، فرهنگ ابجدی، مترجم: رضا مهیار، انتشارات اسلامی
- ۵- انصاریان، حسین، صحیفه سجادیه، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۸۲
- ۶- جواد آملی، عبد الله، فطرت در قرآن، اسراء، ۱۳۷۸
- ۷-، تفسیر تسنیم، اسراء، ۱۳۷۸
- ۸- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، مترجم: جعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۹- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴
- ۱۰-، ترجمه تفسیر المیزان، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴
- ۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰
- ۱۲- مکارم شیرازی، ناصر، سوگندهای پر بار قرآن، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ۱۳۸۶
- ۱۳- قمی، عباس، مفاتیح الجنان، انتشارات تابان، ۱۳۷۶
- ۱۴- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸
- ۱۵- موسوی خمینی، روح الله، شرح جنود عقل و جهل، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۹۲
- ۱۶- محمدی ری شهری، میزان الحکمه، دارالحديث، ۱۳۸۴
- ۱۷- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، فرهنگ قرآن، بوستان کتاب، ۱۳۸۳
- ۱۸- فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیّم، سال اول، ۱۳۹۰، شماره چهارم
- ۱۹- سایت آیه های انتظار
- ۲۰- سایت طهور
- ۲۱- سایت راسخون
- ۲۲- سایت تبیان